



دیزل

یک روز باید صبح وقت به میدان هوایی می‌رفتم. بعد از چند صد متر ناگهان ماشین موترم خاموش شد. با چند پرش بزرگ کانگورو مانند، موترم توقف نمود. من فوراً متوجه شدم که تانکی این موتر کرای را اشتبهاً با تیل دیزل پر کرده ام. برای من عادی بود که تانکی را با دیزل پر کنم چون موتر شخصی ام دیزلی بود. مگر موتری را که کرایه نموده بودم، با تیل دیزل کار نمی‌کرد، بلکه پطرولی بود. همه چیز خیلی اشتباه پیش رفت. موتر پطرولی هیچگونه عوارضی نداشت، تنها مشکلیش این بود که با تیل دیزل کار نمیکرد.

گناه چیست؟

آدم و حوا در بهشت، یعنی در باغ عدن زندگی می‌کردند. آنها افرادی بودند که به شکل و صورت خدا ساخته شده بودند. خدا با آنها در ارتباط بود. عدالت، صلح و شادی وجود داشت. به آدم و حوا اجازه داده شده بود که از همه چیز مراقبت کنند. اما یک دستور واضح وجود داشت: "از درخت شناسایی خوب و بد میوه نخورید، زیرا اگر چنین کنید، خواهید مرد."

پیدایش ۲: ۱۵-۱۷

ما می‌دانیم که داستان چگونه به پایان می‌رسد. آدم علیرغم آگاهی از عواقب آن، دقیقاً همان کاری را انجام داد که خدا ممنوع کرده بود. همین که از میوه درخت شناسایی خوب و بد میوه خورد، اتفاقی افتاد. این دقیقاً مانند همان قضیه تیل دیزل در موترهای پطرولی است. ماشین موتر برای کار با دیزل ساخته نشده بود. مشکلی جدی پیش آمده بود! ماشین موتر از کار افتاده بود. بیرون هنوز سالم بود اما درونش مشکل داشت.

این همان چیزی است که برای آدم و حوا و همه فرزندان آنها که بعد از او می‌آیند، اتفاق افتاد. آدم و حوا با مرگ روحانی مردند. جسم و بدن آنها مانند ابتدا باقی ماند، اما روحشان مُرد، همانطور که خدا گفته بود. آدم و حوا قدرت گناه را کشف کرده بودند. آنها تا آن لحظه فقط خوبی را می‌دانستند، اما اکنون معنای بدی را نیز می‌دانستند.

ریشه گناه این است که شما در واقع تصمیم می‌گیرید که خلاف خدا حرکت کنید. شما انتخاب خود را در مورد آنچه که فکر می‌کنید خوب است، انجام می‌دهید. شما نمی‌خواهید مطابق به آنچه که خداوند برای شما در نظر گرفته است، زندگی کنید. خدا دیگر پادشاه شما نیست. این شما هستید که بر تخت سلطنت نشستید. همانطور که در داستان آدم و حوا می‌بینیم، شیطان بسیار خوشحال است که به شما در انتخاب تان کمک می‌کند.

اولین پیامد گناه

چه چیزی را بخاطر گناه از دست می‌دهیم؟

رومیان ۳: ۲۳

اولین اتفاقی که برای آدم و حوا افتاد این بود که دیدند برهنه هستند. قبل از آن هرگز مشکلی وجود نداشت. آنها خود را پوشاندند چون شرمیدند. آنها خود را از خدا پنهان کردند. به دلیل گناه، انسان واکنش‌های متفاوت نشان می‌دهد. آنها از مجازات و قضاوت خدا ترسیدند.

پیدایش ۳: ۷

چشمان فهمشان باز شد چشم قلب شان بسته شد.

خدا چه کار میکند؟

پیدایش ۳: ۸-۹

همه چیز برای انسان خراب می شود. مگر خدا هنوز به دنبال مردم است زیرا می خواهد با آنها رابطه برقرار کند. اما متأسفانه انسان تغییر کرده است. آدم و حوا جرأت ایستادن در برابر خدا را نداشتند.

متی ۹: ۱۰-۱۳

در این داستان میبینیم که عیسی هم مانند خدا، بدنبال انسان گناهکار میگردد. عیسی بدنبال صالحان نمیرود، بلکه بسراغ گناهکاران می رود تا آنها را نجات دهد.

چرا مردم مجبور شدند باغ عدن را ترک کنند؟

پیدایش ۳: ۲۲-۲۳

خدا نمی خواست شری که در وجود انسان رخنه کرده بود، با زندگی ابدی بپیوندد. اگر انسان تا ابد با علم به شر زندگی می کرد، شر و همه پیامدهای آن نیز برای همیشه باقی می ماند.

بیماری ساری

وقتی فردی به بیماری ساری مبتلا می شود، در انزوا قرار می گیرد. به همین ترتیب، آدم و حوا اجازه نداشتند در کنار «درخت زندگی ابدی» باقی بمانند.

پیامدهای بعدی گناه

از آنجا که روح انسان می میرد و زندگی خدا دیگر در دسترس نیست، انسان شروع به زندگی در خارج از بدن می کند. خدا دیگر در مرکزیت وجودش قرار ندارد.

عاقبت گناه آدم چیست؟ این آیه در مورد هر فرد چه می گوید؟

رومیان ۵: ۱۲-۱۵

عواقب آن برای بشر بسیار سنگین است. به جای ایمان به خدا ترس از خدا به وجود می آید و جای عشق بی قید و شرط را خودپسندی می گیرد. صلح ناپدید می شود، قتل و مرگ به سرعت گسترش می یابد. عدل و انصاف از بین می رود، انسان دیگر در برابر خدا صالح نمی ایستد و خشم و شرم ظاهر می شود. بیماری به زمین می آید. اکنون زمین نفرین شده است و همه چیز دشوارتر خواهد شد. زایمان برای زن بسیار دردناک خواهد بود. مرد بالای زن حاکم خواهد شد. نفرت و تلخی در بین آنها وارد می شود.

سرانجام پس از مرگ روحانی، انسان دچار جدایی از روح خدا می شود. همچنین مرگ بدنی همراه با جدا شدن روح و روان از بدن اتفاق می افتد. سرانجام مرگ ابدی که جدایی همیشگی از خداست، اتفاق می افتد.

پیامدهای متوالی:

هویتی که خدا داده است ناپدید می شود

از طریق گناه ویژگی هایی که خداوند در ما قرار داده آسیب می بیند. خود دوست داشتن، به دلیل گناهی که مرتکب شده اید یا کاری که دیگران با شما انجام داده اند دشوارتر می شود. ارزش گذاری و پذیرش خود نیز دشوارتر می شود، چه به دلیل گناهی که خودتان مرتکب شده اید و چه به دلیل اشتباهی که در حق شما شده است. اگر نتوانید خود را دوست داشته باشید یا برای خود ارزش قائل نباشید، باور به اینکه زندگی شما هدفی دارد نیز دشوار می گردد.

اقتدار بهم میریزد

چون انسان مطیع خدا نشد، پس آفریننده و اختیار بخشنده از زندگی آنها غایب شد. هر چه بکارید درو خواهید کرد. بر روی زمین می بینیم اقتداری که خداوند ایجاد کرد، کاهش می یابد. اکنون از اقتدار برای تسلط استفاده می شود. شیطان نیز اکنون در زندگی کسانی که به او اجازه می دهند، دارای اختیار است.

مسئولیت پذیرفته نمی شود

از آنجا که مردم قدرت را به خوبی درک نمی کنند و اغلب نمی خواهند مسئولیتی را بر عهده بگیرند، مردم اغلباً در قبال حوزه هایی که به آنها اختصاص داده می شود، کمتر احساس مسئولیت میکنند. سپس از اقتدار برای سرکوب مردم سوء استفاده می شود. آزادی انتخاب که از سوی خداوند به انسان داده شده، توسط رهبری مستبد رعایت نمی شود. یا فقدان کامل اقتدار وجود دارد که باعث می شود هر کس آنچه را که فکر می کند خوب است، انجام دهد.

روابط در داخل خانواده ها و در اجتماع بهم میریزد
تمرکز بر "من" در مرکز فرهنگ امروزی، در همه جا منجر به مخدوش شدن روابط روزمره شده است. مشکلاتی بین زن و مرد، والدین و فرزندان، رئیس و کارمند، دولت و مردم وجود دارد.

رابطه با خدا سخت تر میشود
از آنجا که انسان اکنون شرم، ترس و هویت بد را می شناسد، تجربه عشق خدا، شنیدن صدای او و درک اراده او دشوار شده است.

تمرین

پنج نکته آخر را یکبار دیگر مرور کنید و ببینید آیا شما الگوهای زندگی تان را می شناسید یا خیر. تصویر اصلی از آنچه خدا برای شما منظور داشته است، توسط گناه شما تحریف شده است، یا گناه دیگران؟

این پنج نکته را با مربی خود در میان بگذارید و به آنها بگویید که در چه مناطقی نیاز به ترمیم دارید. با هم دعا کنید که خدا از طریق روح خود در هفته های آینده آنها را بازسازی کند تا شفا یابید و انتخاب های درستی داشته باشید.

اصل نژدم

به دلیل گناه، ما مشکلاتی را در هویت و اقتدار خود همانطور که خدا برای بشر در نظر گرفته بود، تجربه می کنیم. به همین دلیل ما با مسئولیت در ارائه مراقبت، محافظت از زندگی و تکثیر به روش سالم مشکل داریم. به همین دلیل مشکلاتی در روابط ما وجود دارد و ارتباط ما با پدری که ما را دوست دارد، قطع شده است.

